

خود یادگیری

لیلا صدی

دکتر فربیا عطاشیبانی، دانش‌آموخته دوره دکتری رشته زبان و ادبیات فارسی، دبیر و سرگروه زبان و ادبیات فارسی دوره دوم متوسطه در آموزش و پرورش استان خراسان رضوی است. وی مؤلف کتاب‌های کمک‌آموزشی حوزه زبان و ادبیات فارسی، مدرس دوره‌های متعدد ضمن خدمت کشوری و استانی، مدرس مدرسه تلویزیونی استان خراسان رضوی و مدرس دانشگاه فرهنگیان پردیس شهید هاشمی‌نژاد و پردیس شهید بهشتی مشهد است. همچنین، صاحب رتبه اول کشوری در سنامه الکترونیکی ادبیات فارسی ۱ و صاحب رتبه برتر کشوری تدریس درس خاطره‌نویسی زبان فارسی در جشنواره الگوهای برتر تدریس است. با توجه به تجربه‌های ارزشمند دکتر عطاشیبانی در تدریس و همچنین حضور ارزشمند وی در گروه‌های آموزشی استان خراسان رضوی، با ایشان گفت‌وگویی تلفنی داشتیم که خلاصه آن را در ادامه می‌خوانید:



با توجه به حضور ارزشمندان در گروه‌های آموزشی، لطفاً بفرمایید این گروه‌ها در بهبود کیفیت فرایندهای آموزش و یادگیری چه نقشی دارند؟

اگر گروه‌های آموزشی با عملکردی درخور و شایسته توأم باشند، می‌توانند نقش بسیار عمده‌ای را در فرایند یاددهی - یادگیری و بهبود کیفیت آموزشی داشته باشند. ما در گروه‌های آموزشی هر استان برنامه عملیاتی تعریف شده داریم. از طرف دیگر، دبیرخانه راهبری کشوری هر درسی یک برنامه عملیاتی دارد. ارتقای کیفیت فعالیت‌های آموزشی در مدرسه‌ها، نقد، بررسی و تحلیل محتوای درس‌ها، بهینه‌سازی فعالیت‌های ارزشیابی و ارزیابی پیشرفت فراگیرندگان همه می‌توانند در راستای کار گروه‌های آموزشی باشند. کیفیت فعالیت‌های آموزشی عوامل متعددی دارد، از جمله اینکه نوآوری داشته باشد، ارتقا دهنده باشد، ارزیابی کننده باشد، هدایت کننده باشد، بازدید کننده باشد، اتصال دهنده باشد و خیلی وقت‌ها تولید کننده باشد. عمده وظیفه گروه‌های آموزشی، نظارت بر شیوه تدریس معلمان است که در چندسال اخیر، با توجه به شیوع کرونا و آموزش‌های مجازی، سبک و سیاق آن تغییر پیدا کرد. ما گاهی ناگزیر می‌شدیم در گروه‌های کلاس‌های مجازی معلمان حضور پیدا کنیم تا اگر چالشی وجود دارد، آن را برطرف و به همکار و دانش‌آموز کمک کنیم.

بعد از مرحله نظارت بر تدریس معلمان، گروه‌های آموزشی به ارتقای عملکرد معلم و در نتیجه دانش‌آموز چه کمکی می‌کنند؟

در واقع، نظارت حلقه تکمیلی فرایند برنامه‌ریزی، تصحیح کننده و ادامه دهنده آن است. گروه‌های آموزشی هر استانی در شهرستان، نواحی و مناطق نماینده‌هایی دارند که پل ارتباطی گروه آموزشی استان با همکاران مجموعه خودش است. اگر بعد از نظارت به پیگیری مستمر نیاز باشد، حتماً با رعایت موازین اخلاقی، علمی، آموزشی و رفتاری انجام می‌شود. چنانچه نیاز به تشویق باشد، در حد توانمان انجام می‌دهیم و در صورت نیاز به بازنگری عالمانه و آموزشی نیز پیگیری و با همکار مربوطه صحبت می‌کنیم. در مواردی که به دانش‌آموز مربوط می‌شود، سعی می‌کنیم کمک حال آن‌ها باشیم.

چطور می‌توان از ابزارهای عصر رقمی برای فعال نگه داشتن یادگیرندگان، حفظ توجه آن‌ها و ایجاد انگیزه در آن‌ها استفاده کرد؟

اگر معلم سواد رقمی و ذهنی خلاق داشته باشد، دانش‌آموزان او چند گام جلوتر خواهند بود. وقتی من به عنوان معلم ادبیات می‌خواهم عروض را در درس بدهم، به هیچ عنوان تنها با صدا و گفتارم نمی‌توانم موفق باشم. من نیازمند یادگیری مهارت‌هایی هستم تا حافظه بصری دانش‌آموز را درگیر



پاسخ به این سؤال نیازمند یک تحقیق وسیع میدانی است، اما آنچه مرا به‌عنوان معلم ادبیات آزار می‌دهد، این است که چرا باید بینم فرزند این مرز و بوم با این ادبیات غنی، ناهنجاری رفتاری و گفتاری دارد. فرزند ایران‌زمین با این ادبیات غنی چنانچه شایسته‌اش است، توان خوب نوشتن و خوب سخن گفتن ندارد. در چیدمان کتاب‌های درسی زبان و ادبیات فارسی نونگاشت تغییراتی پیش آمد و به تبع آن بعضی از مهارت‌های ضروری زندگی فرزندان این مرز و بوم کم‌رنگ شد. نگارش را از ادبیات جدا کردند. نگارش در ذاتش مهارتی است و آزمونه‌پذیر (تست‌پذیر) نیست. این کتاب از گردونه آزمون نهایی و آزمون سراسری خارج شد. به همین خاطر بچه‌ها و بسیاری از معلمان در عمل آن را کنار گذاشتند. در این شرایط، فرزند این مرز و بوم در کدام درس می‌خواهد به‌طور عملی نوشتن را یاد بگیرد؟

شما چه پیشنهادهای در این خصوص دارید؟

بازنگری در محتوا و چیدمان کتاب‌های درسی با حضور و اعمال نظر معلمان باتجربه می‌تواند مهم و حائز اهمیت باشد. سامان‌دهی، انتخاب و گزینش متون بالارزش و چیدمان آن‌ها در کتاب‌های درسی می‌تواند در تربیت نسل امروز و فردای ما بسیار اثرگذار باشد. یعنی در کنار تدوین این برنامه‌های درسی ملی، افرادی کاردان انتخاب شوند که منطبق با این برنامه‌ها و ساحت‌ها سرفصل‌های ارزشمند و ذی‌قیمتی را گزینش کنند. در حیطه محتوا، با دغدغه ساختن یک شهروند اجتماعی مؤدب و یک ایرانی تبار با فرهنگ، می‌توان بهتر از این کار کرد. متون فاخر نظم و نثر ادبیات پربار گذشته و ادبیات معاصر، در کنار متونی که اکنون در کتاب‌های درسی وجود دارند، گنجانده شوند. گاهی شعری حفظ‌کردنی در چیدمان کتاب درسی قرار می‌گیرد که آهنگ و خوانش آن به‌گونه‌ای است که دانش‌آموز رغبتی برای حفظ‌کردنش ندارد. می‌توان جست‌وجو کرد و شعرهایی را برگزید که هم معلم لذت ببرد، هم دانش‌آموز به التذاذ ادبی در کلاس درس برسد و هم مفاهیم منطبق با اهداف متعالی برنامه درسی و در راستای ارزش‌های ایرانی اسلامی باشند.

به‌عنوان سؤال آخر، در مورد آنچه کلاس درس شما را از همکاران متمایز می‌کند بفرمایید؟

اجازه بدهید فراتر از من حرف بزنم. من یک معلم کوچک در این جامعه آموزشی هستم که سعی کردم معلم خوبی باشم. اگر ما هرم آموزشی را متشکل از چند ضلع عمده بدانیم، یک ضلع آن معلم است. ضلع دوم دانش‌آموز و ضلع دیگر منبعی است که برای تدریس در اختیار معلم (به‌عنوان راهنما و پل ارتباطی بین منبع و دانش‌آموز) قرار گرفته است. اگر هر کدام از این سه ضلع مشکل داشته باشد، آن کلاس، کلاس موفق نخواهد بود. راهبرد ضروری برای یادگیری فعال این است که معلم با دانش‌آموز همراه، هم‌قدم و هم‌سو باشد. معلم به زیور علم آراسته باشد. اگر از محدود غرض‌ورزی‌ها چشم‌پوشیم، بهترین قاضی عملکرد من به‌عنوان معلم می‌تواند نظر جمعی دانش‌آموزانم باشد.

کنم. عروض شنیداری و نوشتاری مکمل هم هستند. دانش‌آموز باید نوشتارم را ببیند و من نیز باید نوشتار دانش‌آموزم را ببینم تا مطمئن شوم هرم آموزشی‌ام به درستی کارش را انجام می‌دهد. مهم‌ترین اصل این است که بتوانم حس خوب را در کلاس، به مخاطبم و دانش‌آموزم انتقال بدهم تا آن‌ها فعالیت بیشتری داشته باشند. برای ایجاد تنوع در کلاس و دوری از یکنواختی، من معلم باید نهایت هنر و خلاقیت را به خرج دهم. با توجه به دوره تحصیلی، منبع آموزشی و سن دانش‌آموز می‌توان کارهای متنوعی انجام داد. لازم است دانش‌آموزم و علاقه‌هایش را بشناسم و فعالیت‌هایی یخ‌شکن داشته باشم. برای مثال، من به‌عنوان معلم ادبیات، حتماً در تدریس از صوت‌ها و تصویرهای مرتبط با کتاب درسی استفاده می‌کنم. حتماً از موسیقی استفاده می‌کنم، چراکه ادبیات و موسیقی با هم عجین هستند. مثلاً نسخه صوتی غزل‌هایی از کتاب فارسی را که دانش‌آموز باید به‌عنوان شعرخوانی حفظ کند، پیدا می‌کنم و آواز مجاز آن را پخش می‌کنم. از فیلم‌های کوتاه نیز استفاده می‌کنم. حتی از لب‌خند و زبان بدنم کمک می‌گیرم تا به دانش‌آموزانم احساس امنیت بدهم.

بزرگ‌ترین چالش ما در آموزش‌های مجازی مقوله ارزشیابی از دانش‌آموزان بود. اما بر اساس مزایا و معایب هر روش و امکانات و ابزارهایی که دانش‌آموز و معلم در اختیار دارند، می‌توان از روش‌های متنوعی استفاده کرد. نوع ارزشیابی و نوع سؤال را ماهیت درس تعیین می‌کند. لازم است سؤالی طراحی شود که دانش‌آموز فقط از ذهن خلاق خود بتواند پاسخگو باشد، نه فقط با تکیه بر مبانی نظری که در کتاب درسی در اختیارش قرار دارند. آموزش‌های مجازی نقاط قوتی داشتند که قطعاً در دوران پساکرونا همراه معلم و دانش‌آموز خواهند بود. **ما معلمان و دانش‌آموزان یاد گرفتیم که می‌توان از دنیای مجازی به‌عنوان یک متمم قوی، بهینه استفاده کرد.**

چطور می‌توان فعالیت‌های آموزشی را با در نظر گرفتن ساحت‌های شش‌گانه تعلیم و تربیت اجرا کرد؟

همه ساحت‌های شش‌گانه حوزه تعلیم و تربیت یک صفت نسبی تربیتی دارند. این ساحت‌ها مجموعه‌ای از رفتارها و فعالیت‌های تعلیمی و تربیتی و از دغدغه‌های عمده جامعه آموزشی امروز ما هستند. وقتی از تعلیم و تربیت حرف می‌زنیم، از ظرفیت‌هایی می‌گوییم که می‌خواهد روح این اشرف مخلوقات را از جوانب گوناگون درگیر کند. برای محقق‌شدن چنین ساحت‌های ارزشمندی که از انسان، اشرف مخلوقات بسازد، زبان فارسی ما گنجینه‌ای بسیار غنی است که باعث رشد علمی و فرهنگی مردم سرزمین ماست. زبان فارسی زبان رسمی و کلید فهم ذخایر با ارزش علمی ادبی تمدن اسلامی ایرانی است. آموزش زبان و ادبیات در کنار احساس، عاطفه و تخیل ادبی می‌تواند مهارت‌ها را افزایش دهد.

آیا کتاب‌های درسی ما در ارائه برنامه درسی زندگی موفق عمل کرده‌اند؟